PDF Compressor Free Version

اسیدپاشی هولناک بخاطر یک دختر بود

رهایی جوان اسیدپاش از قصاص دردناک



گروه حوادث: پسر جوان که در یک‌ماجرای‌ناموسی‌اسیدپاشی کرده بود محکوم شد.این پسر در اعترافات خود با به گردن گرفتن اسیدپاشی هولناک ادعا کرد بخاطر دفاع از خود دست به چنین اقدامی زده است.

قربانیان اسیدپاشی نیز در مراحل قضایی از مجازات قصاص جوان اسیدپاش چشم‌پوشی کردندوهمین کافی بود تا مجرم اسیدی پس از گرفتن رضایت به تحمل ۳ سال و ۶ماه زندان محکوم شود.

عصر اسیدی

عصر ۲۱ تیرماه سال ۹۶ در خیابان استاد معین تهران یک اسید پاشی دردناک رقم خورد و همه دیدند که دوپسر جوان با فریادهای سوختم سوختم به خودمی پیچند.

خیلی زود اورژانس باخبر شد و دو پسرعمو که از ناحیه سر و صورت دچار سوختگی اسیدی شده بودند با آمبولانس به بیمارستان منتقل شدند.

گزارش به پلیس

ماجرای این اسیدپاشی به پلیس مخابره شد و ماموران با حضور در محل اسیدپاشی و در بیمارستان با تحقیقات تخصصی پی بردند که عاملان اسید پاشی دایی و خواهرزاده‌ای هستند که دوپسرعمو آنها را می شناسند.

بازداشت ۲ فراری

خیلی زود ماموران با اقدامات فنی و پلیسی پیام و هومن را که فراری بودند در مخفیگاهشان بازداشت شدند.

ردپای یک دختر

این دو پسر وقتی دیدند چاره ای جز اقرار ندارند جدال خیابانی با دو پسرعمو بر سر دختر دانشجو را به گردن گرفتند و همین کافی بود تا روانه زندان شوند.

در دادگاه

پیام و هومن در حالی در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند که توانستند رضایت دو پسرعموی اسید سوخته پرونده را جلب کنند. در جلسه دادگاه پیام ۲۰ ساله که با اقرار وثیقه آزاد بود در دفاع از خود گفت: من دانشجوی رشته تربیت بدنی بودم، چندماه قبل از این ماجرا با یکی از همکلاسی هایم به نام ناهید آشنا شدم. رابطه دوستانه ما با هم ادامه داشت اما پس از مدتی تصمیم گرفتم رابطه ام را با ناهید تمام کنم. وی ادامه داد: من و خواهرزاده ام هومن برای نظافت خانه خواهرم که به تازگی اسباب کشی کرده بود ۳ گالن اسید خریدیم و داخل ماشین گذاشتیم. در حال رفتن به خانه خواهرم بودیم که ناهید با من تماس گرفت و از من خواست تا برای آخرین بار با او ملاقات کنم. من هم پذیرفتم. من و خواهرزاده‌ام سر خیابان استادمعین منتظر ناهید شدیم. من برای خرید آب معدنی از ماشین پیاده شده بودم که متوجه شدم یک نفر با موبایلم تماس گرفته و چون هومن موبایلم را پاسخ داده در حال فحاشی به او است. وی افزود: مرد ناشناس از اینکه مزاحم دختر خاله‌اش ناهید شده‌ایم از ما گلایه داشت. من که از این ماجرا شوکه شده بودم خودم را به خواهرزاده‌ام رساندم اما همان موقع دو پسر قوی هیکل به سمت ماشین ما آمدند. آنها چاقو و گاز اشک آور در دست داشتند. من برای دفاع از خودم و خواهرزاده‌ام لوله پولیکایی را که در ماشین داشتم برداشتم ولی چون خواهرزاده‌ام چیزی برای دفاع نداشت یکی از گالن های اسید را باز کرد و به سمت آنها پاشید. هومن ۱۹ ساله نیز در دفاع از خود گفت: من و دایی ام از نقشه دختر جوان بی اطلاع بودیم به همین خاطر سر خیابان منتظر او ماندیم. ولی او ۲ پسر جوان را فرستاده بود تا ما را ادب کنند. من برای ترساندن پسران جوان یکی از گالن های اسید را به طرفشان پاشیدم. اما همان موقع خودم هم ترسیدم و پشیمان شدم. به همین خاطر مقداری از اسید روی دستانم ریخت. وی افزود: باور کنید قصد آسیب زدن به کسی را نداشتم. من و دایی ام با سختی زیاد توانستیم رضایت شاکی های خصوصی را جلب کنیم به همین خاطر حالا از قضات دادگاه تقاضای تخفیف در مجازات را داریم.

مجازات

بنا به این گزارش، در پایان این جلسه هیات قضایی وارد شور شد و سرانجام پیام را از اتهام اسیدپاشی تبرئه و هومن را به ۳ سال و نیم زندان محکوم کردند.

اخبار حوادث

این نوزاد یکسال از مادرش کوچکتر است

شاید یکی از عجیب ترین مواردی که با موضوع تولد نوزاد شنیده باشید این است : مادری ۲۶ ساله و دختر ۲۵ ساله !! نوزادی که تنها یک سال با مادرش اختلاف سنی دارد به دنیا آمد.

رکورد عجیب تولد نوزادی که یک سال از مادرش کوچکتر است تیتر یک اخبار داغ روز بود ، خبری که رکوردزنی در دنیای پزشکی و بحث درمان ناباروری داشت.

نوزادی در سن ۲۵ سالگی متولد شد ، این نوزاد بعد از سالها انتظار برای تولد یعنی از سال ۱۹۹۲ بالاخره توسط مادری جوان که ۲۶ سال سن دارد به دنیا آمد؛ هر آنچه که گفته شد واقعیت است واقعیتی که جزئیات آن را خواهید خواند.

"تینا گیبسون» نوزاد دختری به نام «اما ورن» به دنیا آورد؛ در کمال حیرت نوزاد دختر تنها ۱ سال اختلاف سنی با مادر خود دارد.

به گزارش میرر نوزاد که در سال ۱۹۹۲ به عنوان جنین فریز شده در یکی از مراکز درمان ناباروری تشکیل شده بود تا سالها توسط دستگاه ها و تجهیزات خاص نگهداری می شده تا اینکه بعد از گذشت ۲۴ سال از فریز شدن او به رحم «تینا» منتقل شد و بعد از سپری شدن دوران بارداری متولد شد.جالب است بدانید زمانیکه این نوزاد به حالت جنین فریز شده درآمد مادر کنونی او یعنی «تینا گیبسون» تنها ۱ سال و نیم سن داشته است که مطمئنا در ان زمان هرگز تصور نمیکرده روزی نوزادی را به دنیا بیاورد که یک سال از خودش کوچک تر است.این اتفاق رکوردشکنی بود در نگهداری جنین فریز شده که برای دنیای پزشکی یکی از موادر فراموش نشدنی خواهد بود.

خودکشی پزشک آبادانی

وضعیت پزشک متخصص که در بخش آی سی یو بیمارستان امام خمینی (ره) تحت نظر قرار دارد وخیم گزارش شده و ماموران در تحقیقات میدانی پی بردند که وی از نظر روحی و مالی هیچ مشکلی نداشته است. تحقیقات در خصوص علت و انگیزه خودکشی این پزشک آبادانی در دستور کار ماموران قرار دارد.ساعت ۱۵:۱۵ دقیقه یکشنبه ۳۱ تیرماه امسال مسئولان بیمارستان امام خمینی (ره) در تماس با ماموران کلانتری ۱۶ امیر کبیر از اقدام به خودکشی یکی از پزشکان آبادان خبر دادند.بدین ترتیب تیمی از ماموران پای در بیمارستان گذاشتند و مشاهده کردند که پزشک ۶۷ ساله که متخصص داخلی و عفونی است با خوردن ۱۷۰ قرص آرام بخش و خواب آور قصد خودکشی کرده است که با انتقال وی به بیمارستان تحت نظر قرار گرفت.وضعیت پزشک متخصص که در بخش آی سی یو بیمارستان امام خمینی (ره) تحت نظر قرار دارد وخیم گزارش شده و ماموران در تحقیقات میدانی پی بردند که وی از نظر روحی و مالی هیچ مشکلی نداشته است.بنا به این گزارش، تحقیقات در خصوص علت و انگیزه خودکشی این پزشک آبادانی در دستور کار ماموران قرار دارد.

پیدا شدن آمبولانسی که دزدیده شده بود

آمبولانسی که در بهمن سال گذشته از شبکه بهداشت و درمان شهرستان اشنویه به سرقت رفته بود، کشف شد. ‹اسعد خضری› فرماندار اشنویه روز جمعه بیان کرد: شماره موتور این آمبولانس دستکاری شده و با تغییر ظاهر خودرو و کاربری آن چندین بار فروخته شده است.وی با اشاره به اینکه اطلاعیه فروش آن در فضای مجازی منتشر شده بود، اظهار داشت: کارکنان بیمارستان اشنویه به علت شباهت خودرو به آن مشکوک شدند و موضوع را پیگیری کردند.

خضری گفت: در معامله این خودرو اختلاف بین شماره بیمه و سند نیز عامل دیگری در شناسایی آمبولانس شد.

رییس شبکه بهداشت اشنویه نیز گفت: این آمبولانس چندین بار معامله و فروخته شده بود و بالاخره در مهاباد حین معامله شناسایی و کشف شد.

'ابوبکر افشنگ› افزود: اکنون این آمبولانس به فرماندهی انتظامی اشنویه تحویل داده شده است.

شهرستان اشنویه در جنوب آذربایجان غربی واقع است و بیش از ۷۴ هزار نفر جمعیت دارد.

خبر

بازپرس جنایی تهران از مردم کمک خواست

مخفیگاه قاتل فراری کجاست؟!

گروه حوادث: شاگرد مغازه پتوفروشی وقتی دست به چاقو شد در یک درگیری خونین دست به جنایت زد و پا به فرار گذاشت.این جنایت زمانی رخ داد که قاتل مرتب از جوان خشمگین مشت می خورد.

قتل در بازار

ساعت ۱۴:۳۵ دقیقه ۱۲ دی ماه سال گذشته ماموران کلانتری ۱۱۳ بازار در جریان درگیری خونین ۲ مرد در مغازه پتوفروشی در خیابان شهید مصطفی خمینی، ابتدای کوچه سید اسماعیل قرار گرفتند. خیلی زود تیم های پلیسی و امدادگران اورژانس در صحنه درگیری حاضر شدند و در همان ابتدا مشخص شد که پسر جوان قبل از رسیدن امدادگران اورژانس داخل مغازه پتوفروشی به کام مرگ فرو رفته است.

همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه بازپرس محسن مدیر روستا از شعبه ۶ دادسرای امور جنایی در صحنه جرم حاضر شوند.

کارآگاهان پس از بررسی های ابتدایی پی بردند که پسر جوان هدف ضربه چاقو قرار گرفته و به قتل رسیده است. در ادامه تیم پلیسی پی برد که مغازه پتوفروشی مجهز به دوربین مداربسته است و کارآگاهان برای تجسس های فنی فیلم ضبط شده صحنه درگیری مرگبار را مورد بازبینی قرار دادند.

فیلم صحنه مرگ

عقربه ها ساعت ۱۴:۱۵ دقیقه ۱۲ دی ماه را نشان می داد و حمید که شاگرد مغازه پتوفروشی در وسط مغازه ایستاده بود که ناگهان ناصر وارد مغازه شد و با فحاشی به سمت حمید حمله کرد.

در این صحنه حمید چاقویی از زیر لباسش کشید و به سمت ناصر حرکت کرد، ناصر که به شدت از دست شاگرد مغازه عصبانی بود بدون توجه به چاقوی در دست حمید ضربه مشتی را به سمت صورت وی پرت کرد که حمید با جاخالی دادن با دست چپ ناصر را گرفت اما پسر عصبانی چند مشت دیگر به سر و صورت حمید زد. شاگرد مغازه چندبار سعی داشت در ادامه درگیری ضرباتی با چاقو به ناصر بزند اما موفق نشد که در این صحنه یکی از افراد داخل مغازه برای جدا کردن ۲ پسر جوان دست به کار شد و در تلاش بود که چاقو را از دست حمید بگیرد اما موفق به این کار نشد. صحنه درگیری ادامه داشت و در یک لحظه حمید و ناصر در هم گره خوردند که ناگهان حمید با چاقو ضربه‌ای به سینه ناصر زد.

ضربه چاقو باعث شد تا ۲ جوان از هم جدا شوند و یکی از مغازه داران حمید را به عقب کشاند تا درگیری پایان گیرد و این در حالی بود که هیچ کس متوجه ضربه چاقو به سینه ناصر نشده و تنها چند قطره خون در کف زمین مغازه ریخته شده بود. ناصر سعی داشت دوباره خود را به حمید برساند که ناگهان روی زمین افتاد و همه با دیدن این صحنه شوکه شدند.

تماس قاتل با اورژانس

حمید وقتی دید پسر جوان روی زمین افتاده ابتدا چاقویش را داخل لباسش گذاشت و به سرعت پشت میز مغازه رفت و اورژانس تماس گرفت و سپس در برابر چند تن از مغازه داران دیگر که داخل مغازه پتو فروشی شده بودند پا به فرار گذاشت.

جزئیات از زبان صاحب مغازه

صاحب مغازه پتوفروشی در تحقیقات به ماموران گفت: روز درگیری قربانی جنایت نزدیک به ۱۵ بار با مغازه تماس گرفت و با شاگرد مغازه ام، حمید درگیری لفظی داشتند و نمی دانم بر سر چه موضوعی آنها با هم اختلاف پیدا کرده بودند. وی افزود: داخل مغازه بودم که ناصر ناگهان وارد شد و بدون هیچ صحبتی به سمت حمید حمله کرد و برای جدا کردن آنها دست به کار شدم که چاقوی حمید به دستم خورد و از ناحیه دست زخمی شدم که در ادامه همسایه ها با شنیدن سر و صدای ۲ جوان وارد مغازه شده و مشغول جدا کردن آنها شدند که در این صحنه چاقوی دست حمید به سینه ناصر برخورد کرد و پسر جوان پس از دقایقی روی زمین افتاد. این مرد ادامه داد: خیلی زود با اورژانس تماس گرفتیم تا پسر جوان را به بیمارستان منتقل کنند اما وقتی



تیم های امدادی در محل حاضر شدند از مرگ ناصر خبر دادند.

شاهدان چه گفتند

کارآگاهان در ادامه تجسس ها به سراغ شاهدان درگیری رفتند که مشخص شد همسایه های مغازه پتوفروشی با شنیدن صدای درگیری از داخل مغازه برای جدا کردن ۲ پسر جوان وارد مغازه پتوفروشی شدند که متوجه می شوند حمید ۳۱ ساله که شاگرد مغازه بود با چاقو ضربه ای به سینه ناصر زده و به سرعت فرار کرده است.

زندگی مجردی

کارآگاهان با اطلاعات به دست آمده خیلی زود موفق به شناسایی خانه حمید در خیابان ۱۷ شهریور شدند. همین کافی بود تا ماموران برای



دستگیری حمید دست به کار شوند اما وقتی به خانه وی رفتند مشخص شد که حمید به صورت مجردی در این خانه زندگی می کرده و پس از درگیری مرگبار نیز دیگر به خانه بازنگشته است.

ماموران در ادامه به سراغ خانواده حمید رفتند و آنها نیز ادعای بی خبری از سرنوشت پسرشان کردند.

مخفیگاه قاتل کجاست؟!

بنابه این گزارش، بازپرس محسن مدیر روستا از شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران با توجه به فراری بودن عامل این جنایت خواستار انتشار تصویر حمید شد تا چنانچه کسانی از سرنوشت و مخفیگاه این متهم اطلاع دارند با شماره ۵۱۰۵۵۴۳۷ اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران تماس گیرند.

نمی کشتم کشته می شدم!

دوئل مرگبار ۲ مرد مخوف منطقه فلاح

گروه حوادث: درگیری ۲ مرد مخوف منطقه فلاح با مرگ یکی از آنها پایان خونینی به خود گرفت.

عامل جنایت پس از دستگیری ادعا کرد در دفاع از خود با چاقو دست به قتل زده وگرنه خودش کشته می شد.

گزارش پرونده

رسیدگی به ماجرای این قتل خونین از ۱۸ بهمن ماه سال ۹۴ به دنبال کشته شدن مرد ۳۵ ساله ای به نام اسماعیل در دستور کار ماموران کلانتری ۱۶۱ ابوذر قرار گرفت.

۲ مرد خطرناک

شواهد نشان می داد ابراهیم که یکی از گنده لات های منطقه فلاح بود در درگیری خیابانی مورد حمله یکی از اوباش این منطقه به نام مسعود قرار گرفته و با ضربات چاقو کشته شده است.

قاتل در بیمارستان

تلاش برای ردیابی قاتل فراری آغاز شده بود که به پلیس خبر رسید مسعود که از ناحیه دست و پا زخمی شده برای درمان به یکی از بیمارستان های جنوب تهران مراجعه کرده است.

همین کافی بود تا ماموران با حضور در بیمارستان عامل این جنایت خیابانی را دستگیر کنند.

اعتراف

مسعود که حال خوشی نداشت روی تخت بیمارستان قتل را به گردن گرفت و با نشان دادن زخم هایش ادعا کرد اگر نمی کشتم کشته می شدم.

در دادگاه

مسعود که چندین سابقه شرارت، دعوا، مزاحمت و قدرت نمایی با سلاح سرد در پرونده زندگی اش دارد پس از اعتراف به درگیری خونین روانه زندان شد تا اینکه آخر هفته گذشته در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی توکلی و با حضور یک قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستاد.

قصاص می خواهیم

در ابتدای این جلسه اولیای دم در جایگاه ایستادند و با ابراز ناراحتی از مرگ پسرشان برای مسعود حکم قصاص خواستند.

آخرین دفاع

سپس مسعود پیش روی قضات ایستاد و به دفاع پرداخت و گفت : من و اسماعیل هر دو از لات های منطقه فلاح بودیم به همین خاطر همیشه با هم کل کل داشتیم. چند روز قبل از این ماجرا یک نفر روی ماشین یکی از بچه محل های ما اسید پاشیده بود و برادر کوچک مسعود به دروغ گفته بود من عامل اسیدپاشی هستم که



با شنیدن این ماجرا ناراحت شده بودم و به سراغ برادر کوچک مسعود رفتم و او را در یک رستوران کتک زدم و ادب کردم.

وی افزود: دو روز از این ماجرا گذشته بود که به خاطر بی پولی تصمیم به فروش حلقه ازدواج گرفتم. آن زمان همسرم باردار بود و من شغل مناسبی نداشتم. به همین خاطر به منطقه امامزاده حسن رفتم اما طلا فروشی ها بسته بود. در حال بازگشت به خانه بودم که آرایشگر محل به من گفت اسماعیل چند ساعتی است در پی من می گردد. مرد آرایشگر از من خواست تا با او دعوا نکنم و به خانه بروم من هم تصمیمی برای دعوا نداشتم اما در راه رفتن به خانه بودم که اسماعیل را رو به رویم دیدم .او در حالی که دو چاقو در دست داشت به سمت من حمله کرد .اولین ضربه را به پیشانی ام زد و مرا داخل شمشادهای گوشه خیابان پرت کرد . من روی زمین افتاده بودم که چند ضربه چاقو هم به پایم زد. در آن لحظه تصمیم گرفتم هر طور شده یکی از چاقو ها را از او بگیرم. من به زور تیغه چاقو را گرفتم و توانستم آن را از دست او بگیرم که دستانم به شدت آسیب دید و دچار خونریزی شد. من برای دفاع از خودم با چاقو یک ضربه به او زدم اما واقعا قصد کشتن او را نداشتم.

وی به قضات دادگاه گفت: باور کنید من در دفاع از خودم ناچار بودم او را با چاقو بزنم .اگر او را نزده بودم در این ماجرا کشته می شدم.

وی درباره اختلاف های قبلی با اسماعیل و برادرانش نیز گفت: مدتی پیش نیز برادر بزرگ اسماعیل با من درگیر شده بود .او در یک جشن عروسی در حالی که مست بود سراغم آمد و مرا با چاقو زد . از او شکایت کردم و او به پرداخت دیه محکوم شد. اما پس از مدتی به خاطر وساطت بچه محل ها رضایت دادم ولی بعدا متوجه شدم اشتباه کرده ام. او بعد از رضایت من و بدون اینکه دیه جراحات را بپردازد از کشور خارج شده بود. من و اسماعیل بارها سابقه درگیری با هم را داشتیم اما من هیچ وقت راضی به مرگش نبودم و در دفاع از خودم ناچار به چاقوکشی شدم.

بنا به این گزارش، در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.